

## اهمیت اعتصاب کارگران آزمایش و خواست افزایش دستمزد

درمیان دهها اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگری که درچند ماه اخیر، در واحدهای مختلف تولیدی وخدماتی در سراسر کشور رخ داده است، اعتصاب اخیر کارگران آزمایش مرودشت، واکنش کارفرما در قبال کارگران و اخراج دستجمعی بیش از ۴۰ کارگر این کارخانه، از جایگاه اهمیت ویژه ای برخوردار شده است.

کارخانه آزمایش مرودشت واقع در هفت کیلومتری جاده اصفهان- شیراز، که تا سال ۸۴ وابسته به شرکت کارخانه های صنعتی آزمایش بود، از اوائل این سال، به عنوان یک شرکت مستقل به فعالیت خود ادامه داد. مدتی نگذشت که این کارخانه نیز مانند ده ها موسسه و کارخانه دیگر مشمول سیاست خصوصی سازی شد و درفاصله کوتاهی پس از آن و در پی اجرای سیاست "تعدیل نیرو"، بیش از ۱۰۰۰ کارگر این کارخانه اخراج شدند. با اجرای این سیاست ها، اعتراض در میان کارگران نسبت به اخراج ها وعدم امنیت شغلی خود، روز به روز افزایش یافت. کارگران آزمایش مرودشت، از اواخر سال ۸۵ تاکنون، دراعتراض به پائین بودن دستمزدها وعدم تضمین شغلی خود، بارها دست به اعتصاب زده اند که این اعتصابات هر بار با اقدامات سرکوبگرانه کارفرما و حراست کارخانه و وعده های توخالی رو به رو شده است.

اعتصاب کارگران دراسفند ۸۵ که در ادامه خود به تجمع اعتراضی در بیرون از کارخانه و مسدود ساختن جاده اصفهان- شیراز انجامید، با دخالت فرماندار مرودشت و وعده هائی پیرامون ضمانت شغلی و بهبود شرایط کار، خاتمه یافت. اعتصاب خاتمه یافت، اما هیچکدام از وعده ها متحقق نشد. کارگران بار دیگر درتیرماه ۸۶ دست از کارکشیدند و در برابر فرمانداری مرودشت دست به تجمع زدند. وعده ها تکرار شد، اما در راستای تحقق مطالبات کارگران، قدم از قدم برداشته نشد. کارگران بار دیگر در شهریور و مهر سال جاری دست به اعتصاب زدند و مجموعا به مدت چهل روز تولید را متوقف ساختند. کارفرما و مدیریت کارخانه، این بار نیز وعده دادند دستمزد کارگران را افزایش دهند و به سایر مطالبات آنان نیز رسیدگی نمایند، اما آنان هرگز به این وعده ها، عمل نکردند. ۴۰۰ کارگر کارخانه آزمایش مرودشت که وعده های مکرر دروغین کارفرما را تجربه کرده بودند و فشارهای اقتصادی و معیشتی بر گرده آن ها روز به روز سنگین تر می شد، راه دیگری جز تداوم اعتراض و مبارزه، و روی آوری به اعتصاب نداشتند. کارگران از روز ۲۷ آذر دراعتراض به پائین بودن دستمزدها و نداشتن امنیت شغلی، اعتصاب جدیدی را آغاز کردند.

به دنبال اعتصاب یک پارچه کارگران، کارفرما، این بار به جای وعده های توخالی، فورا دست به اقدام عملی زد. مدیریت کارخانه ضمن شکایت به دادگاه و طرح این ادعا که کارگران، تولید را خوابانده اند تا کارخانه تعطیل شود، ابتدا ۸ تن از رهبران اعتصاب و سپس ۳۲ تن دیگر را اخراج کرد و برای ۱۳ کارگر دیگر نیز حکم اخراج قطعی صادر نمود و نشان داد که در تمام این دوره یک ساله جنگ و گریز و در خلال وعده های پوچ و توخالی برای افزایش دستمزدها، در واقع در تدارک سرکوب گسترده و اجرای توطئه علیه کارگران بوده است.

مدیریت کارخانه پس از این اخراج هانیز همچنان به اقدامات سرکوبگرانه و توطئه علیه کارگران ادامه می دهد. مدیرعامل کارخانه به اتهامات واهی علیه کارگران متوسل شده است. در غیاب کارگران حکم های اخراجی مبنی بر پذیرش اخراج بدون بیمه و سنوات صادر نموده است. با شکایت به دادگاه، برخی

از کارگرن را در حالت انتظار حکم دادگاه نگاه داشته است. فشار بر کارگران به حدی زیاد بوده است، که روح الله معصومی کارگر ۳۴ ساله این کارخانه پس از اخراج سکتته کرده و روانه بیمارستان شده است. آخرین خبرها حاکی از آن است که کارفرما، فشار بر کارگران را بیش از پیش تشدید نموده است. تعداد کارگرانی را که پای هر دستگاه کار می کرده اند، کاهش داده است و فرضاً دستگاہی که پیش از این با سه کارگر کار می کرد، اکنون همان فشار کار، بر دو کارگر تحمیل شده است. بدین ترتیب مدیریت کارخانه با تشدید اقدامات سرکوبگرانه و فشار بر کارگران، آنان را در برابر دو راهی قرار داده است، یا تن دادن به سکوت و کار طاقت فرسای غیرقابل تحمل، یا اخراج و بیکاری!

به راستی مگر کارگران کارخانه آزمایش چه کرده اند و چه خواسته اند که این چنین مورد ستم و سرکوب قرار گرفته و مشمول اخراج دستجمعی شده اند؟ آیا جز این است که این کارگران که از سنگینی بار کمر شکن تورم و گرانی نمی توانند کمر راست کنند، که قادر به تامین نیازهای ضروری زندگی و سیرکردن شکم خود و فرزندانشان نمی باشند، که از فشار فقر و گرسنگی به تنگ آمده اند، تنها به طرح یک مطالبه اقتصادی پرداخته اند و خواستار افزایش دستمزد شده اند که در زمره ابتدائی ترین مطالبات کارگران محسوب می شود؟ آیا جز این است که از زمان پیدایش نظام سرمایه داری تاکنون، افزایش دستمزد یکی از بدیهی ترین مطالبات کارگران در چهارچوب این نظام بوده است؟ آیا جز این است که اگر سرمایه داران به این مطالبه ی اقتصادی کارگران پاسخ مثبت داده اند و اندوکی بردستمزدها می افزایند، بلافاصله با افزودن بر قیمت کالاها و بازاریاریک نیرنگ اقتصادی و غیر اقتصادی دیگر، دوباره آن را از کارگران باز پس می گیرند؟

از نظر طبقه سرمایه دار ایران و دولت پاسدار منافع این طبقه اما، طرح مطالبه افزایش دستمزد گرچه یک مطالبه اقتصادی ست ولی در شرایط کنونی معنای سیاسی ویژه ای به خودمی گیرد. این درست است که خواست افزایش دستمزد، یک خواست اقتصادی است، اما برای طبقه سرمایه دار و دولت پاسدار منافع این طبقه که توانسته اند تعویق در پرداخت دستمزد کارگران را تقریباً در همه بخش های کارگری به مرحله اجرا بگذارند و با اعمال آگاهانه این سیاست، سعی شان بر این بوده است که از طرح خواست های جدید توسط کارگران و ارتقاء مطالبات کارگری، جلوگیری نمایند، طرح افزایش دستمزدها در این فضای تحمیلی، معنای سیاسی معینی پیدا می کند. سرمایه داران و دولت آنها، با اجرای عمادانه و چندین ساله این سیاست، سبب گشته اند تا پرداخت دستمزدهای عقب افتاده، به یکی از خواست های اصلی کارگران تبدیل گردد. این سیاست، سبب آن شده است تا کارگران، تقریباً در هر اعتصاب و تجمع اعتراضی خود، مقدم بر هر چیز، خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه خود باشند و مجال آن را نیابند که خواست دیگری مطرح کنند. بنابراین روشن است که طرح خواست افزایش دستمزد، عملاً به معنای مقابله با این سیاست است. از نظر مدیریت کارخانه آزمایش و از نظر همه سرمایه داران، در شرایطی که میلیونها بیکار، پشت در کارخانه ها منتظر کار هستند، همین که کارگران کارخانه آزمایش مرودشت کاری دارند، باید ممنون و شکرگزار سرمایه و صاحب کارخانه باشند. کارگرانی که در این شرایط به خود جرات داده اند و طی یک سال در اعتصابات پی در پی خود، پیوسته بر مطالبه افزایش دستمزد اصرار ورزیده اند، باید سرکوب و و عقب رانده شوند.

از نظر طبقه سرمایه دار، مطرح شدن خواست افزایش دستمزد توسط کارگران کارخانه آزمایش مرودشت، به معنای عبور از خط و مرزها و زیر گرفتن خط قرمزی است که این طبقه برای کل کارگران ایران ترسیم و تعیین نموده است.

کارفرمای کارخانه آزمایش نیز، در مقابله با کارگران این کارخانه، منافع عمومی طبقه خویش را در نظر می گیرد و از جایگاه منافع این طبقه است که با یک اقدام سریع و بی رحمانه، بیشتر از چهل کارگر این کارخانه را اخراج و فشار کار بر سایر کارگران را تشدید می کند. سرمایه داران و دولت حامی آنها، با این اقدام خود می خواهند به تمام کارگران ایران بگویند که هر کارگری را که خواهد

برای بهبود وضعیت معیشتی و اقتصادی خود مبارزه کند، هر کارگری که بخواهد پایش را از حدود خط و مرزها و مطالبات دفاعی فراتر بگذارد و به مقابله با سیاست های جاری برخیزد، وحشیانه سرکوب می کنند و اگر لازم باشد، حتا چهل، پنجاه کارگر را نیز یکجا اخراج می کنند.

با این همه و همانطور که به تجربه نیز ثابت شده است، طبقه سرمایه دار و رژیم سیاسی حافظ منافع این طبقه، با اخراج و تشدید اقدامات سرکوبگرانه نیز نمی توانند جلوی مبارزات کارگران را سد کنند و کارگران را به سکوت و خموشی وادار سازند. دهها اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگری در یک ماه اخیر، از جمله اعتصاب نزدیک به ۶۰۰ کارگر پتروشیمی کرمانشاه، اعتصاب بیش از ۱۰۰۰ کارگر کاغذ سازی پارس، اعتصاب ۸۰۰ کارگر پلی اتیلن سنگین هرسین، اعتصاب کارگران نی بر شرکت نیشکر هفت تپه، اعتصاب کارگران مجتمع صنعتی سماء، اعتصاب کارگران شرکت قوه پارس، شرکت پونل، نساجی شماره ۳ طبرستان، تجمعات اعتراضی کارگران چینی سازی شهرکرد، نساجی خوی و تجمع اعتراضی کارکنان و کارگران پالایشگاه نفت آبادان، این مسئله را ثابت می کند.

اگر طبقه سرمایه دار و رژیم سیاسی آن، با حبس محمود صالحی، منصور اسانلو و دهها کارگر پیشرو و فعال کارگری دیگر نتوانسته اند، کارگران را خاموش سازند، اگر با احضار ۲۵ کارگر شرکت کاغذ سازی پارس، احضار و بازداشت و بازجویی مکرر چندین کارگر شرکت نیشکر هفت تپه و پرونده سازی برای آن ها و اخراج بسیاری از کارگران پیشرو نتوانسته اند کارگران را خاموش سازند، قطعاً با اخراج دستجمعی رهبران اعتصاب و دهها کارگر اعتصابی کارخانه آزمایش مرودشت نیز خواهند توانست به این هدف خود جامه عمل بپوشانند.

یکی از نمایندگان کارگران کارخانه آزمایش مرودشت پیرامون اقدامات سرکوبگرانه مدیر عامل کارخانه می گوید "کارفرما با اقداماتش می خواهد ما را خاموش کند، اما ما از حق خودمان کوتاه نمی آئیم"

روشن است که کارگران برای افزایش دستمزد به مبارزات خود ادامه خواهند داد. افزایش دستمزد فقط خواست کارگران کارخانه آزمایش مرودشت نیست. افزایش دستمزد، خواست عموم کارگران است و طرح آن به ویژه در مقطع کنونی حائز اهمیت بسیار زیادی ست. طرح این خواست، نه فقط از این جنبه که خط قرمزهایی را که طبقه سرمایه دار ایران و دولت حامی این طبقه به کارگران تحمیل نموده اند، زیر می گیرد و سیاست های بازدارنده آنان را خنثا می کند، حائز اهمیت است، بلکه مطالبه افزایش دستمزد از این جنبه که راه را برای طرح مطالبات جدیدتر و ارتقاء سطح مطالبات کارگری می گشاید نیز از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.